



تصویر سازی با غم در غزلیات عرفی شیرازی

سارا پروتا^۱، احمد طحان^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

perotasara@gmail.com

^۲استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

tahanahmad@yahoo.com

چکیده

از جمله کارکردهای مهم ادبی زبان، ساختن خیال و تصویر (ایماژ) است که زبان شعری را برجسته و آن را از زبان روزمره جدا می‌سازد. عرفی شیرازی از شاعران سبک هندی است که مانند بسیاری از شاعران دیگر غم و اندوه از درون مایه‌های شعر اوست. او در اشعارش با استفاده از واژه‌ی "غم" دست به آفرینش تصویرهای هنری و شاعرانه می‌زند. تشبیهاتی که با غم می‌سازد، گاهی تکرار همان تصاویر کهن و سنتی ادبیات فارسی است، مانند: دریای غم، آتش غم، لشکر غم و ... گاهی نیز همراه با تعابیر شاعرانه‌ی جدیدی است، همانند: کعبه‌ی غم، ناز بالش غم، سرود غم و غیره. استعاره‌های او نیز همین دو وضعیت را دارد. آرایه‌های دیگری که با غم می‌سازد و در آن‌ها تازگی و طراوت بیش‌تری دیده می‌شود، متناقض نما (پارادوکس) و حس‌آمیزی است.

کلمات کلیدی:

عرفی، غم، تشبیه، استعاره، متناقض‌نما، حس‌آمیزی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ادبی زبان، تصویرپردازی است. در زبان‌های اروپایی واژه‌ی "ایماژ" (image) به معنی خیال و تصویر از اصل لاتین گرفته شده است: «تصویر آن چیزی است که گرهی فکری و عاطفی را در لحظه‌ای از زمان ارائه می‌دهد». (براهنی، ۱۳۵۸: ۷۵)

تصویر ادبی به معنی دخل و تصرف ذهن شاعر است در طبیعت یا ایجاد ارتباط بین جهان و زبان:

«ادیبان قدیم با همه‌ی توجهی که به اهمیت صور خیال در شعر داشته‌اند، درباره‌ی سهم خیال در ساختمان شعر کمتر سخن گفته‌اند، علت این سکوت را بیش‌تر باید در طرز تفکر آن‌ها نسبت به شعر و مفهوم آن جست‌جو کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷)

منتقدان اروپایی که از طرز تفکر ارسطو تأسی جست‌ه‌اند، برای تصویرهای خیالی در فرم و شکل شعر اهمیت بیش‌تری قائل‌اند:

«دی لویس» شاعر معاصر انگلیسی در کتاب معروف خود که درباره‌ی "خیال شعری" نوشته است، ایماژ یا خیال را عنصر ثابت شعر می‌داند و می‌گوید: "ایماژ" در شعر یک عنصر ثابت است. (همان: ۸)

شاعران برای سرایش شعر واژگان بی‌شماری را برمی‌گزینند و از جنبه‌ی موسیقایی، وزن‌های عروضی متفاوتی را انتخاب می‌کنند، محتوای شعرها ممکن است یکسان باشند، اما وجه تمایز این آثار در چگونگی به کارگیری صور خیالشان است، صور خیالی چون تشبیه، استعاره، مجاز و ...

«از این رو قدرت تصویرسازی تا حدی همان قدرت تخیل است.» (براهنی، ۱۳۵۸: ۷۷)

گروهی از منتقدان از همین ویژگی برای درجه‌بندی شعرها کمک می‌گیرند؛ یعنی شعری را بر دیگری ترجیح می‌دهند که جنبه‌ی تخیل در آن قوی‌تر باشد. بنابراین می‌توان تصویرسازی در شعر را به مثابه‌ی یک معیار نهایی در نظر گرفت. تصویرسازی در شعر بدون عنصر تخیل امری ناممکن است. همان‌گونه که شعرشناسان و منتقدان در گذشته شعر را چنین تعریف می‌کرده‌اند:

«شعر در عرف منطقی کلام مخیل است و در عرف متأخران کلام موزون و مقفی.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۸)

ایجاد تصاویر، رایج‌ترین چیزی است که از تخیل اراده می‌شود: «کاربرد زبان مجازی اغلب تنها چیزی است که مورد نظر است. گفته می‌شود افرادی که طبیعتاً استعاره و تشبیه را به کار می‌گیرند، به ویژه در صورتی که از یک نوع غیر متعارف باشد، دارای تخیل هستند.» (ریچاردز، ۱۳۷۵: ۲۱۱)

خلق تصویر از طریق تخیل رابطه‌ی مستقیمی با تجربه‌ی زیسته‌ی شاعر دارد که با زمینه‌های عاطفی همراه است. هر تصویر عاطفه‌ای به همراه دارد. این عاطفه و شور با تجربه همراه است - هر تجربه‌ای می‌تواند یک اتفاق روانی باشد:

«بنابراین از آن جا که هر کسی در زندگی خاص خود تجربه‌هایی ویژه‌ی خویش دارد، طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و